

ماهنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی^۱

سال سیزدهم - شماره هفتم - مهر ۱۳۹۹ - شماره پیاپی ۵۳

معرفی و بررسی نسخه خطی مثنوی «شاهد غیبی»

(ص ۱۵۸-۱۳۵)

فاطمه ملکی^۲ (نویسنده مسئول)، علی پدram میرزایی^۳، فاطمه کوپا^۴، حسین

یزدانی^۵

تاریخ دریافت مقاله: مهر ۹۸ تاریخ پذیرش قطعی مقاله: بهمن ۹۸

چکیده:

احیای نسخ خطی گامی مؤثر در شناخت میراث فرهنگی و ادبی هر قومی است. پیشرفت و اعتلای هیچ ملتی میسر نمیشود مگر اینکه از پیشینه تاریخ ادب و فرهنگ خود آگاهی داشته باشد. از این رو انتقال آثار گذشتگان به شیوه صحیح و به دور از دخل و تصرف، از ضروریات فرهنگی هر جامعه‌ای است. نسخه خطی «شاهد غیبی» یکی از این آثار عرفانی در قالب مثنوی در بحر هرج مسدس محذوف به زبان فارسی است که آن را شاعری «احمد» نام در سال ۱۳۳۲ هجری قمری سروده است. این نسخه منحصر به فرد مشتمل بر دو بخش است: بخش اول آن به شرح احوال «میر محمد زیورالدین» پسر «میرحسین بغدادی» که نسب او به «شیخ عبدالقادر گیلانی» میرسد، پرداخته و بخش دوم آن در بیان سلسله نقشبندیه و آداب سلوک این طریقت است. این پژوهش ضمن توضیحاتی درباره محتوای نسخه، به بررسی ساختار و مهمترین ویژگیهای سبک‌شناسی آن در سه سطح فکری، ادبی و زبانی میپردازد. روش پژوهش حاضر به شیوه تحلیل محتوا و کتابخانه‌ای و بر اساس اصل اثر و شواهد مستخرج از آن بوده است.

واژه‌های کلیدی: میرمحمد زیورالدین شاه، شاهد غیبی، نقشبندیه، نسخ خطی

۱- تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده‌اند.

۲- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور (fateh-978@yahoo.com)

۳- دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور (p_mirzaie@pnu.ac.ir)

۴- استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور (koupa8982@pnu.ac.ir)

۵- دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور (H_yazdani@pnu.ac.ir)

Introducing and reviewing the manuscript of Masnavi "Absent witness"

Fatemeh Malaki^۱ (Corresponding Author), Ali Pedram Mirzaei^۲,
Fatemeh Koupa^۳, Hossein Yazdani^۴

Abstract:

The revival of the manuscript is an effective step in recognizing the cultural and literary heritage of each nation. Progress and advancement of any nation is not possible unless it is aware of the background of its culture and literary history. Therefore, transferring the works of the past people in a proper way and far from manipulation is the cultural necessities of any society. The manuscript of "The Absent Witness", one of these mystical works in the form of Masnavi in Bahr Hazaj Mosades Mahzof is in the Persian language which was written by the poet "Ahmad" in 1953. This unique version has two parts: A: The first part describes the circumstances of Mir Mohammed Zivar Al-Din son of Mir Hossein Baghdadi, whose ancestry reaches Sheikh Abdul Qadar Gilani, and the second part deals with the Naghshbandieh dynasty and the practices of this conduct. The present study, while providing an explanation about the content of the manuscript of "absent witness", examines its structure and most important stylistic features at three levels of intellectual, literary and linguistic levels.

The research method was library and content analysis and based on the principle of works and evidence derived from it.

Keywords: Mir Mohammad Zivar Al-Din Shah, Absent Witness, Naghshbandieh, Manuscript

1 - PhD student in Persian language and literature, Payame Noor University (s.maleki@pnu.ac.ir)

2- Associate Professor of Persian Language and Literature, Payame Noor University (p_mirzaie@pnu.ac.ir)

3- Professor of Persian Language and Literature, Payame Noor University (koupa8982@pnu.ac.ir)

4- Associate Professor of Persian Language and Literature, Payame Noor University (H_yazdani@pnu.ac.ir)

مقدمه:

یکی از راههای شناخت اندیشه و سلوک فکری و تحولات زبانی اندیشمندان گذشته بررسی و شناخت آثار مکتوب آنهاست. (نقد و تصحیح متون، مایل هروری: ص ۱۵) کتابخانه گنج بخش پاکستان گنجینه‌ای مهم از نسخ خطی به زبان فارسی و سایر زبانها است. بازبینی و تصحیح این نسخ و پرده برداشتن از چهره این شاهدان خاموش میتواند ما را نه تنها با عالمان و ادیبان ناشناخته بلکه با زوایای پوشیده ذهن و زبان آنها آشنا سازد. از جمله آثاری که پس از گذشت سالیان متمادی هنوز ناشناخته مانده است نسخه منظومه «شاهد غیبی» از شاعری ناآشنا به نام «احمد» در شرح احوال و کرامات عارف بزرگ قرن دوازدهم، میرمحمد زیورالدین بغدادی در قالب مثنوی و در بحر هزج مسدس محذوف (مفاعیلن مفاعیلن فعولن) است.

«شاهد غیبی» از چند منظر حائز اهمیت است؛ الف: این اثر در شناخت چهره عرفانی میر زیورالدین بغدادی از عرفای قرن دوازدهم افغانستان و یکی از مشایخ طریقت نقشبندیه بسیار مهم است. ب: «شاهد غیبی» با معرفی سلسله جدیدی از اقطاب مشایخ طریقت نقشبندیه در افغانستان بعد از شیخ محمد قاضی از پیران نقشبندیه، به دنبال حفظ و احیای اندیشه و افکار این سلسله و سلوک عارفانه آنهاست، احوال و مقامات تعدادی از شخصیت‌های یاد شده در نسخه مذکور نیاز به پژوهشی جداگانه دارد که در این مختصر نمیگنجد. ج: این اثر در بیان مبانی سلوک عملی و جنبه های ارشاد و اشاره به اصول یازدهگانه طریقت نقشبندیه و کاربرد اصطلاحات عرفانی و تأویلات قرآنی درخور توجه است. د: «شاهد غیبی» اثری محتوا محور است با این وصف شاعر از آرایه های ادبی برای بیان مفاهیم خود بهره برده است که از نظر ویژگیهای سبکی قابل بررسی است.

پیشینه و روش تحقیق:

تذکره نویسی در اصطلاح به معنی «تألیف و تدوین مجموعه یا کتابی که در آن شرح احوال شاعران، نویسندگان، عارفان، فقیهان و جز آنها گرد آمده باشد.» (دانشنامه ادب فارسی، انوشه: ص ۷۱۶).

از میان انواع تذکره، تذکره های عرفانی به شرح احوال و آثار عارفان می پردازد، که خود به دو گونه منظوم و منثور تقسیم میشوند. شرح حال نویسی عرفانی به طور کل، و «مقامات نویسی» نگارش شرح حال یکی از اولیا و مشایخ صوفیه به طور خاص، نقش ویژه‌ای در گذشته فرهنگی و اجتماعی ایرانیان داشته است و یادکرد مقامات متصوفه و عرفا و ذکر سوانح زندگی و افعال و اقوال آنان در تاریخ ادبیات عرفانی غالباً به دو صورت است:

الف) ذکر نام و احوال و سوانح زندگی سلسله ای از ناموران قلمرو فرهنگ و ادب عرفانی در کنار هم. مانند تذکره الاولیای عطار.

ب) یادکرد و نام و نسب، خاندان، احوال و سوانح زندگی یکی از بزرگان طریقت به تفصیل تمام و تبیین جایگاه و پایگاه اجتماعی و عرفانی او در عصر خود و تأثیری که احیاناً در پیدایش فرقه‌ها و نحله‌های صوفیان بعد از خود گذاشته است. چون مقامات ژنده پیل (تحلیل انتقادی گفتمان «مقامات» مشایخ صوفیه، سجودی و اکبری: صص ۷۳-۷۴) مثنوی شاهد غیبی نیز در شکل و قالب منظوم آمده است.

نسخه خطی «شاهدغیبی» تاکنون در هیچ اثری معرفی، مورد بررسی و تصحیح قرار نگرفته است. ولی درباره شخصیت میرمحمدزیورالدین شاه به طور خاص در کتاب «مقامات میرمحمد زیورالدین شاه معروف به پادشاه صاحب پایمنار» از امام الدین بن سعدالدین احمدانصاری که در افغانستان به سال ۱۳۹۳ به چاپ رسیده، پرداخته شده است.

ضرورت و اهمیت پژوهش

متون عرفانی در زبان و ادب فارسی از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. تصحیح و انتشار این میراث معنوی با توجه به محتوای ارزشمند آنها امری ضروری به نظر می‌رسد. کتاب «شاهد غیبی» با توجه به اطلاعاتی که درباره زندگی یکی از عرفای طریقت نقشبندیه در افغانستان و معرفی شریانی از این سلسله به دست می‌دهد نسخه‌ای ارزشمند است.

سوالات پژوهش

- ۱- منظومه شاهد غیبی از چه ویژگی‌های سبکی برخوردار است؟
- ۲- منظومه شاهد غیبی از چه اهمیتی برخوردار است و از چه موضوعی حکایت میکند؟

فرضیات تحقیق

- ۱- منظومه شاهد غیبی همانند اکثر هم دوره‌های خود از ویژگی‌های سبک خراسانی و عراقی پیروی میکند.
- ۲- «شاهد غیبی» در شرح احوال و کرامات عارف بزرگ قرن دوازدهم، میرمحمد زیورالدین بغدادی است. همچنین ما را با مشرب فکری او و نقشبندیه آشنا می‌سازد

معرفی نسخه شاهد غیبی

«شاهد غیبی» به شماره «۱۶۷۱۱» در کتابخانه گنج بخش پاکستان موجود است. در فهرست الفبایی نسخه‌های خطی کتابخانه گنج بخش چنین آمده است: (=۱۳۳۲، مثنوی شاهد غیبی، ادب و تاریخ، ف، نظم) کاتب و شاعر: احمد، ۳۰۲ص، تاریخ تألیف و کتابت ۱۳۳۲ه.ق، نستع و جدول و شنگرف. (فهرست الفبایی نسخه‌های خطی کتابخانه گنج بخش. تسبیحی: ص ۳۷۵).

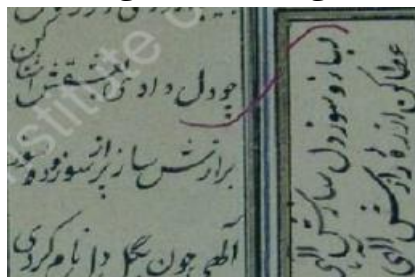
این اثر در قطع وزیری با ۳۰۲ صفحه (۱۵۱ برگ) و به خط نستعلیق و خوش و عناوین ثلث است. در هر صفحه به طور متوسط ۱۱ بیت جای گرفته است و مجموع ابیات نسخه

۳۲۵۱ بیت است. صفحات جداول و رکابه دارد. رکابه بیرون از جداول و در صفحات زوج نوشته شده است. نسخه ظهر و ترقیمه دارد، در ظهر نسخه عنوان نسخه و متنی به زبان پشتو آمده است و در ترقیمه به تاریخ کتابت و نام اثر اشاره شده است.



(ظهر) (ترقیمه)

اشعار با عناوین آغاز میشوند و عناوین کتاب گاه در داخل جداول و گاه در حاشیه متن و با خطی متفاوت نوشته شده است. در متن کتاب از مرکب سیاه و برای عناوین از شنگرف استفاده شده است. در حاشیه نسخه در تعداد محدودی از صفحات، بیرون از جدول اشعاری است که از متن اصلی جا افتاده و با خطی جای آن مشخص شده است.



و برای جابجایی اشعار از حروف م (مبتدا) و خ (مؤخر) استفاده کرده است. صفحات شماره ۲۵۳ و ۲۵۴ نانوخته است که البته دال بر افتادگی در متن نیست. اشعار صفحات ابتدایی نسخه (۲ و ۱) اعراب گذاری شده است.

آغاز و انجام نسخه:

مثنوی با «بسم الله الرحمن الرحيم» و ابیات:

به نام آنکه نامش حرز جاذبه‌است
طفیل عشق او اظهار عالم
ثنايش زيور حسن بيانهاست
برای عشق او ابـراز آدم
(شاهد غیبی: ص ۱)

آغاز و با ابیات:

الـهی بـا زبان رند میـخـوار
تو دانی از کرم وز رحمت خویش
بیان آورد احمـد با دل زار
مناسب آنچه دانی آوری پیش
(همان: ص ۳۰۲)

به انجام رسیده است.

درباره مؤلف، نام نسخه و تاریخ اتمام نسخه:

علیرغم بررسیهای فراوان اطلاعاتی درباره شاعر به دست نیامد و تنها منبعی که میتوان بدان استناد کرد همین نسخه حاضر است که شاعر در چند جا به نام خود «احمد» اشاره کرده است.

دل احمد ز لطف دار روشن
که چون گل خندد از شادی گلشن
(همان: ص ۵۲)

که احمد را دل آگه به دل ده
دل درمانده او را سـجل ده
(همان: ص ۱۹۲)

(و نیز در صفحه ۳۰۲ در ابیات متن و حاشیه)

وی در دوره فرمانروایی حبیب الله خان پادشاه افغانستان زندگی میکرده و در مدح این پادشاه ذیل عنوان «در مدح پادشاه اسلام پناه» و «رجوع به مدح اعلی حضرت پادشاه اسلام» اشعاری سروده است. بر اساس آنچه از متن استنباط میشود وی با علم ادب، قرآن، حدیث، عرفان و به خصوص طریقت نقشبندیه آشنا بوده تا آنجا که بسیاری از اصطلاحات عرفانی این طریقت را در منظومه خود با بسامد بالا بیان کرده است. این نسخه به اذعان خود مؤلف نه یک قصه منظوم بلکه اثری است که به او الهام شده و شاید یکی از دلایل نام «شاهد غیبی» بر این نسخه، الهامی بودن کتاب باشد.

نه این یک قصه منظوم باشد
اگر گویم بود بر طرز الهام
(همان: ص ۳۰۲)

نام منظومه «شاهد غیبی» است که در صفحه عنوان، در پایان بخش اول و در صفحه انجام نام آن آمده است:

«بحمدالله ز لطف حی علام
رسید این شاهد غیبی به اتمام»
(همان: ص ۱۸۲ و ۳۰۲ حاشیه)

تاریخ اتمام نسخه:

تأمل کرد بهر نام و تاریخ
که احمد نام و تاریخش چو خواهی
برای هر دو گفت آن نیک فرجام
شود از شاهد غیبی سرانجام
(همان: ص ۳۰۲)

اگر «شاهد غیبی» را بر اساس حروف ابجد محاسبه کنیم سال ۱۳۳۲ به دست می‌آید که با تاریخ کتابت نسخه در ظهر مطابقت دارد. و در ترقیمه نیز عبارت: «قدتم به ید اقل عباد الله رحمت الله به میمنه فی تاریخ یوم شنبه ۹ شهر جمادی الثانی توشقان^۱ سنه ۱۳۳۳» آمده است که با تاریخ ذکر شده یک سال اختلاف دارد.

سبب تألیف کتاب: مهر و محبت و ارادت نسبت به بزرگان انگیزه اصلی «احمد» در سرودن «شاهد غیبی» بوده است وی دلیل سرودن اثر خود را این گونه بیان می‌کند:

«مرا مهر بتان چون در نهاد است
محبت چون ز عالی دود مان است
قلم در این بیان زان سر نهاد است
بیان دوست زان عذب البیان است
محبت جسم را ارزنده دارد
بیان دوستی دل زنده دارد
(همان: ص ۳۲)

و پس از اختصاص ۹۹ بیت در وصف محبت، در آغاز داستان چگونگی اندیشه به نظم آوردن کتاب را این گونه بیان می‌دارد:

مرا روزی به کوهستان گذر شد
شهی کو پادشاه یک جهان است
خیال روضه شاهم به سر شد
جهان را روح و عالم را روان است...
خطش دلکش چو خط لعل دلبر
کتابی دیدم آنجا روح پرور
(همان: ص ۴۲)

مضمون این اثر شرح احوال، اشارات و کرامات میرزیورالدین بود، با خواندن آن کتاب علاقه و اشتیاق من نسبت به او افزون گردید و این تصمیم در اندیشه‌ام نقش بست تا آن کتاب را به سلک نظم آورم:

چو خواندم آن عبارتهای پرجوش
مرا در دل ازو بس شوق افزود
ازان حیرت بدر شد از سرم هوش
کنم روشن ز نام او جهان را...
ز من آغاز و از حق باد اتمام
نمودم قصد و کوشیدم به انجام
(همان: ص ۴۳)

^۱- این واژه ترکی است به معنای خرگوش، سال چهارم از دوازده سال ترکی (لغت نامه دهخدا)

این کتاب به احتمال زیاد رساله ای است که نوه میر زیورالدین شاه، میر امام الدین متخلص به «درویش» فرزند شیخ سعدالدین کابلی شاعر و عارف بزرگ افغانستان، در فضائل و کرامات و احوال جد خود نوشته است. و میرویس خاورین سر دبیر جریده «ده سبز» در کابل طی چند شماره متوالی به شرح احوال آن پرداخته است.

ساختار «شاهد غیبی»:

«شاهد غیبی» شامل دو بخش است. مجموع اشعار هر دو بخش ۳۲۵۱ بیت است. بخش آغازین نسخه که ۱۸۵ صفحه، ۲۰۰۷ بیت از این مثنوی را در بر میگیرد به شرح احوال و مقامات میرمحمد زیورالدین شاه، عارف بزرگ افغانستان در سده دوازدهم هجری قمری پرداخته است.

عناوین بخش اول «شاهد غیبی»:

ردیف	عنوان	تعداد ابیات
۱	تمحیدیه	۹۰ بیت
۲	در نعت نبی صلی...علیه و سلم	۳۱ بیت
۳	مناجات	۱۷۴ بیت
۴	در مناقب چاریار	۲۲ بیت
۵	در مدح پادشاه اسلام پناه (حبیب...خان)	۱۹ بیت
۶	در سبب تألیف کتاب	۹۹ بیت
۷	آغاز داستان	۴۰ بیت
۸	مناجات به درگاه قاضی الحاجات	۱۲۲ بیت
۹	عزم نمودن حضرت زیورالدین شاه به قصد تجارت به جانب بخارا	۶۲ بیت
۱۰	رسیدن حضرت زیورالدین شاه به استالف و ملاقات نمودن حضرت ایشان علیه الرحمه و الغفران	۷۱ بیت
۱۱	مشغول شدن شاه کرامت آگاه در خطه شریف بخارا در کار تجارت و سودا	۱۷۱ بیت

۱۲	مشرف شدن پادشاه صاحب در عالم رؤیا به شرف ملاحظهٔ جمال حضرت سید دو سرا صلی...علیه و سلم	۲۸۷ بیت
۱۳	بیدار شدن پادشاه صاحب از خواب و ترک اسباب دنیوی و بی طاقتی کردن از مفارقت آن گوهر نایاب	۷۵ بیت
۱۴	رسیدن زیورالدین شاه به ملاقات خواجه دختر	۱۱ بیت
۱۵	هدایت نمودن خواجه دختر پادشاه صاحب موصوف در مراجعت به وطن مألوف	۴۵ بیت
۱۶	ورود پادشاه صاحب به آرگنج و سیه پوش یافت مردم انجا را	۲۷ بیت
۱۷	اظهار نمودن مردم آرگنج سبب سیاه پوشی خود را	۱۶ بیت
۱۸	رجوع به مدح اعلی حضرت پادشاه اسلام (حبیب...خان)	۲۵ بیت
۱۹	رجوع به اصل حکایت و مصمم شدن پادشاه صاحب به معالجه شهزاده	۵۹ بیت
۲۰	خبر دادن کنیز از حالت نزع شهزاده	۹ بیت
۲۱	شفا یافتن شهزاده به توجه شاه آزاده	۳۲ بیت
۲۲	مستحضر شدن مادر و دیگر متعلقین از شفای شهزاده و تبدیل یافت مجلس ماتم به شادمانی بی اندازه	۱۴ بیت
۲۳	خبر دادن یکی از شهزادگان پادشاه را از شفا یافتن بیمار و آمدن پادشاه برای دیدن فرزند کامکار	۱۰۹ بیت
۲۴	مصمم شدن پادشاه به ایفای عهد و نذری که برای شفاء یافتن بیمار به دل بسته بود و دادن دختر و دو حصه ملک خودش به حضرت پادشاه صاحب	۴۹ بیت
۲۵	آرایش دادن دختر پادشاه را برای تهیهٔ عروسی	۵۵ بیت
۲۶	رسیدن دختر پادشاه به حضور زیورالدین شاه	۲۶۱ بیت
۲۷	خاتمه	۳۲ بیت
جمع ابیات		۲۰۰۷ بیت

بخش دوم این مثنوی در بیان نسب نامۀ معنوی شاخه ای از مشایخ نقشبندیه در افغانستان که تاکنون در ایران ناشناخته بود، از پیامبر اکرم (ص) تا زمان حیات میرزیورالدین شاه و اصول یازدهگانه طریقت نقشبندیه است. مجموع اشعار این بخش ۱۲۴۴ بیت است.

نسب نامۀ معنوی طریقت نقشبندیه در «شاهد غیبی»



عناوین بخش دوم «شاهد غیبی»

۹۲ بیت	بیان سلسله‌علیه نقشبندیه	۱
۸۴ بیت	نقش اول هوش در دم	۲
۷۲ بیت	نقش دوم نظر بر قدم	۳
۸۰ بیت	نقش سوم سفر در وطن	۴
۶۶ بیت	نقش چهارم خلوت در انجمن	۵

۱۸ بیت	حکایت	۶
۲۷ بیت	حکایت	۷
۷۲ بیت	نقش پنجم یاد کرد	۸
۲۴ بیت	نقش ششم بازگشت	۹
۵۲ بیت	مناجات	۱۰
۳۷ بیت	نقش هفتم نگاهداشت	۱۱
۷ بیت	نقش هشتم یادداشت	۱۲
۹۳ بیت	حکایت	۱۳
۵۰ بیت	سه نقش دیگر که عبارت از وقوف ثلاثه است. وقوف زمانی، وقوف عددی و وقوف قلبی نقش اول در وقوف زمانی	۱۴
۳۲ بیت	نقش دوم وقوف عددی	۱۵
۴۸ بیت	نقش سوم وقوف قلبی	۱۶
۸ بیت	پانزده مسئله سلوک که عارف را دستور العمل است	۱۷
۲۴ بیت	اول به هر گرسنگی و تشنگی آب و طعام نباید خورد	۱۸
۱۵ بیت	دوم به هر آزار و رنجش خشم نباید کرد	۱۹
۱۶ بیت	سوم به هر خشم جنگ نباید کرد	۲۰
۱۶ بیت	چهارم از نادیده و ناشنیده دوری باید	۲۱
۱۶ بیت	پنجم در هیچ حال از سخن حق باز نماند	۲۲
۱۶ بیت	ششم به هر عُجبی نخندد	۲۳
۱۶ بیت	هفتم به هر دردی ننالد	۲۴
۱۵ بیت	هشتم به هر محنتی و مصیبتی جزع و فزع نکند	۲۵
۱۶ بیت	نهم به هر نعمتی ننازد	۲۶
۱۶ بیت	دهم به مدح کسی مغرور نشود	۲۷
۱۶ بیت	یازدهم طعام هر کس نخورد	۲۸
۱۵ بیت	دوازدهم به هر کاری سخن نگوید و اکثر خاموشی گزیند	۲۹
۱۶ بیت	سیزدهم با هیچ کس مزاح نکند	۳۰
۱۶ بیت	چهاردهم هر چه پسندیده حق بود تن بدهد	۳۱
۱۶ بیت	پانزدهم از اقوال و افعال ناپسندیده دور باشد	۳۲
۱۲۷ بیت	تمهید در مناجات	۳۳

۳۴	نام و تاریخ کتاب از طبع جناب مؤلف	۱۰ بیت
جمع ابیات		۱۲۴۴ بیت

تأثیرپذیری مؤلف «شاهد غیبی» از جامی:

در تمام دوره‌های ادبی ما به ویژه در حوزه شعر، نمونه‌های تأثیرپذیری فراوان دیده میشود تا جایی که میتوان گفت مدار شعر ما بر تأثیرپذیری و تأثیرگذاری گذشته است. منظومه‌های عاشقانه ادب فارسی، ذوالفقاری: ص ۹) با بررسی «شاهد غیبی» تأثیر میان متنی از منظومه «یوسف و زلیخا» نورالدین عبدالرحمن جامی شاعر بلندآوازه قرن نهم هجری دیده میشود. این تأثیرپذیری نه تنها در وزن، در متن نیز گاه با نقل صریح اشعار و گاه در جابجایی کلمات اشعار منظومه «یوسف و زلیخا» دیده میشود. گرچه وی در هنر شاعری موفقیت جامی را ندارد، که با توجه به زمان اندک سرودن شاهد غیبی این امر چندان دور از نظر نیست: «زیمین زیورالدین شاه سالک / شد اندر عرصه یک ماه انجام» (شاهدغیبی: ص ۳۰۲) اهتمام شاعر در این اثر بیشتر تصویر زندگی **میر محمد زیورالدین شاه** و طریقت نقشبندیه و جنبه عرفانی آن است و شاعر ادعایی در شاعر بودن خود ندارد:

اگر چه شعر گفتن کار من نیست
مرا در شعر گفتن علم و فن نیست
ولیک آن شاه باشد رهبر من
که هم او شد به گفتن زیور من
(همان: ص ۴۴)

وی در این اثر دو بار به صراحت از جامی نام برده است یک بار او را «استاد دانا» و بار دیگر «جامی» خوانده است.

چه خوش فرمود آن استاد دانا
که باشد روح او را در جنان جا
(همان: ص ۶)

گل دل بشکفد بس غنچه آسا
نخست از جام جامی چون شود مست
گشاید قصه یوسف زلیخا
بگوید وانگهی پیمانہ در دست
(همان: ص ۸۴)

نمونه‌هایی از تأثیرپذیری متنی «شاهد غیبی» از «یوسف و زلیخا»:

متاب از عشق رو گرچه مجازیست
که آن بهر حقیقت چاره ساز نیست
(همان: ص ۶)

«متاب از عشق رو گرچه مجازیست
که آن نهی حقیقی کار ساز نیست»
(هفت اورنگ، جامی: ص ۵۹۴)

به نام آن که نامش حرز جانهاست ثنایش زیور حسن بیانهاست
(همان: ص ۱)

که با اندک تفاوت واژه ها یادآور بیت زیر از جامی است:

به نام آن که عشقش حرز جانهاست ثنایش جوهر تیغ زبانهاست
(هفت اورنگ، جامی: ص ۵۷۶)

ویژگیهای سبکی کتاب شاهد غیبی

آثار ادبی همواره متأثر از سبک رایج زمان خود هستند و در آنها ویژگیهایی است که سبب تمایز آنها از سایر آثار میشود. این ویژگیها در سه سطح زبانی، ادبی و فکری قابل بررسی است.

ویژگیهای فکری:

الف. «شاهد غیبی» در بخش دوم، بازتاب اندیشه های طریقت نقشبندیه و بیان اصول یازدهگانه آن است. (رک به جدول شماره ۲ مقاله). نقشبندیه یکی از مشهورترین سلسله‌های عرفان اسلامی و دارای شیوه و روشی معتدلانه و شریعت محور است. میانه روی و اعتدال این فرقه و التزام عارفان این سلسله به شریعت سبب شد که بسیاری از عالمان دینی به این طریقت درآیند و این سلسله را جامع میان طریقت و شریعت بیابند.

ب. از مهمترین محورهای فکری این نسخه علاوه بر نکات بیان شده تأثیرپذیری از نظریه وحدت وجود ابن عربی است که به نحو بارزی در «شاهد غیبی» تجلی یافته است.

نظر در هر چه اندازم جز او نیست جز او در هیچ راه و هیچ سو نیست
تجسس هرچه از خود مینمایم به غیبه او نیایم - در نگاهم
(همان: ص ۲۴۴)

ج. عرفان و تصوف: از مضامین پرکاربرد مفاهیم صوفیانه و عارفانه است که در سراسر متن مشهود است. اصطلاحات عرفانی چون طریقت، شریعت، حقیقت، فناء فی الذات، محو در ذات الهی، مستغرق عشق، جمع، وصل کبریا و... در متن به وفور یافت میشود.

د. عشق: یکی از آموزه های اساسی در جهان بینی عرفاء عشق است. در «شاهد غیبی» عشق و محبت اساس هستی است و در تمام کائنات ساری و جاری است. شاعر در قسمت تحمیدیه اثرش آنجا که به توصیف پروردگار پرداخته: طفیل عشق او اظهار عالم / برای عشق او ابراز آدم (ص ۲) نیز در بخش مناجات: الهی مالک دلهای زاری / ز تو عشق و محبت جمله جاری (ص ۱۳) و نعت پیامبر: ز عشق است عرش و کرسی هم نمودار / که از نور محمد یافت اظهار (ص ۱۰) در باب عشق بسیار سخن رانده است.

ویژگیهای زبانی:

منظومه شاهد غیبی همچون سایر آثار متقدمین، بسیاری از ویژگیهای زبانی سبکهای گذشته (سبک خراسانی و عراقی) را دارد. برای نمونه میتوان به ویژگیهای زیر اشاره کرد:

الف. به کاربردن لغات عربی. یکی از ویژگیهای زبانی سبک عراقی، کاسته شدن از کلمات کهن فارسی و افزایش نسبی واژه‌ها عربی است (سبک‌شناسی شعر فارسی از رودکی تا شاملو، غلامرضایی: صص ۲۱۰-۲۱۱) با توجه به محتوای عرفانی اثر بسامد کلمات و ترکیبات عربی بالا است. به ویژه در قسمت مناجات که به القاب پیامبر اشاره میکند. این لغات عبارتند از: مخلوق، معبود، اظهار، ظهور، مسیح، تسبیح، موالید، انجم، تدبیر، تأثیر، قتیل، تقریر، تحریر، تخلیق، تخمیر، تکمیل، معلوم و معدوم، نعیم، عظیم، ایمان، ایقان، ایجاد، ناصر، منصور، شهیر، داعی، مدعو، مجاب، نصیح، شفیق، وکیل، تکریم و نمونه‌های فراوان دیگر که در متن مشهود است.

ب. ویژگیهای نحوی:-

— آوردن «ب» بر سر فعل ماضی:

بگفتندش که ای شخص دل آگاه چه افتاده تو را غم اندرین راه
(همان: ص ۱۲۴)

— استعمال افعال پیشوندی:

چنان خوانی که آب تیز رفتار ز رفتن باز ماند سوی گلزار
(همان: ص ۱۴۷)

— آوردن دو حرف اضافه پیش و پس از متمم:

به دل اندر هوس‌ها این که پیمود همه در شوق خانه شوق افزود
(همان: ص ۸۵)

— استعمال «نه» در نقش قید نفی:

نه در بان بر در و دروازه باز است ولی این در در اهل نیاز است
(همان: ص ۱۶۳)

ویژگیهای ادبی:

مؤلف در سرودن کتاب «شاهد غیبی» از بیشتر آرایه‌های ادبی مدد گرفته و شعر خود را بدان آراسته است اما وجهه همت شاعر در این اثر برآستن کلام خود به بدایع لفظی به ویژه آرایه تکرار است. و میتوان آن را از مشخصات سبکی و شاخصه اصلی این اثر دانست. اگرچه این آرایه یکی از عوامل ایجاد موسیقی در کلام است اما در پاره‌ای از موارد افراط در بکارگیری آن، متن را ملال‌انگیز میکند.

الف) صنایع لفظی: آن است که زینت و زیبایی کلام وابسته به الفاظ باشد، چنانکه اگر الفاظ را با حفظ معنی تغییر دهیم آن حسن زایل گردد. (همایی، فنون بلاغت و صناعات ادبی ص: ۳۷)

صنایع لفظی پر کاربرد در «شاهد غیبی»:

- تکرار:

یکی از صورتهای بلاغی که شاعر یا نویسنده به منظور نشان دادن اهمیت و برجسته ساختن یک واژه، یا یک عبارت در متن و یا ایجاد موسیقی در کلام و آرایش سخن خویش، لفظ یا الفظی را مکرر می آورد تکرار است.

انواع مختلف تکرار در «شاهد غیبی»

۱- تکرار واک: تکرار یک صامت یا مصوت در چندین کلمه جمله و بر دو نوع است:

الف: همحروفی: تکرار یک صامت با بسامد زیاد در شعر:

ز فوق العرش شوق عشق برخاست (همان: ص ۲) وزان عرش معلی سر برآراست

درون در در اسرار باز است درون در در راز و نیاز است (همان: ص ۱۶۴)

نمونه های دیگر: واج آرایبی در (ح و ن) (ص ۶۴ و ۶۵). در حرف (د) (ص ۶۶ و ۸۸ و ۷۱ و ۹۱ و ۹۴) در حرف (س) (ص ۸۷ و ۶۸) در حرف (م) (ص ۷۷) در حرف (ش) (ص ۸۱ و ۸۷) در حرف (ر) (ص ۸۲) و...

ب: همصدایی: و آن تکرار یا توزیع مصوت در کلمات است:

چو دید دید و دید دیده در دید به دید دید در دید (همان: ص ۱۶۹)

بقا یابی و یابی نیکنامی (همان: ص ۸۷) شهنشاهی کنی با نیکنامی نیز همصدایی مصوت آ در واژه های انفاس، دوستان، آستان (ص ۶۴) کباب، آب، آتش، دلها (ص ۶۵) باز، تا، بانو، جان، آید، یار، دمساز (ص ۱۰۸) تکرار در مصوت ای در واژه های شرابی، پیری، شابی (ص ۱۰۸) تکرار در ز خال عنبر رخساره یار / ز یاقوت لب لعل شکر بار (ص ۸۵) (ص ۸۰) تکرار در مصوت او (ص ۶۵) و...

۲- تکرار هجا:

به آن شیرین تکلم کو میان بود جهان را هم عیان و هم نهان بود

(همان: ص ۴۸)

شهی بخشند و سرداری و شاهی شهانند از سفیدی و سیاهی

(همان: ص ۱۸۳)

و نیز تکرار آن در زبان، نوعروسان، ارزان، طوطیان، شکرافشان (ص ۱۰۸)

۳- **تکرار واژه:** و آن تکرار واژه در کلام است. شاعر با استفاده از صورتهای مختلف تصدیق به تکرار واژه‌ها پرداخته است. و بیشترین نوع تکرار در «شاهد غیبی» تکرار واژه است.

الف: رد الصدر: و آن تکرار واژه یا عبارتی در آغاز ابیات و یا جمله‌های پی در پی است:

زهی چشمی که روی یار بیند زهی چشمی که آن دلدار بیند
زهی چشمی که بیند جلوه نور زهی چشمی کزو گرد یده مسرور
(همان: ص ۹۶)

این نمونه از تکرار در متن فراوان است که به چند نمونه از آنها اشاره میکنیم: کلمه «به زیر خاک» در سه بیت (ص ۶۴)، «دلی ده کو ...» (ص ۶۷)، «تجارت ...» (ص ۶۹) «چو آن دولت ...» (ص ۷۴)، «ازین می ...» (ص ۷۶) «ازین میم است ...» (ص ۷۷) «درون در...» (ص ۱۰۷) «روان شد و جدایی ...» (ص ۱۰۵) «دمی کو...» (ص ۹۵) «زهی چشمی...» (ص ۸۳) «به هر اسمی... و به آن نوری...» (ص ۵۶) «چراغ» (ص ۵۸) «محبت...» (ص ۶۰) «محبانند...» (ص ۶۰) «ز حب اولیا...» (ص ۶۰-۶۱) «مرا چون حب ایشان...» (ص ۶۲) «به زیر خاک...» (ص ۶۲) «به آن چشمی...» (ص ۶۵) و...

ب: رد الصدر الی العجز:

قدم بشمارد از هستی عدم را به یاد آرد ازان نقش قدم را
(همان: ص ۲۰۳)

به آن حبتی که یک حبتی از آن حب / فزونتر کرده از ملک جهان حب (همان: ص ۶۴) همچنین در واژه نور (ص ۱۱۷) قیامت (ص ۱۱۳) سوز (ص ۱۱۰) تن (ص ۱۰۱) عالم (ص ۹۵) دم (ص ۹۴)

می (ص ۷۶) دولت (ص ۷۴) دروازه (ص ۷۱) جواهر (ص ۶۸) مصطفی (ص ۶۱) سوز (ص ۵۳) بست (ص ۶۷) و ... رد الصدر الی العجز دیده شد.

ج: رد العجز الی الصدر:

چو بیند سالک اندر ره قدم را به هر رفتار می یابد عدم را
عدم دو بیند و یک هستی خویش به یک هستی نیارد الفتی بیش
(همان: ص ۲۰۵)

نیز در واژه ازین می (ص ۷۶) الله (ص ۷۴) صاحب (ص ۵۵) نامش (ص ۵۶) گنج (ص ۶۲) حب (ص ۶۴) تجار (ص ۶۸) دولت (ص ۷۳) زبان خاموش (ص ۱۲۰) انسان (ص ۱۱۹) و... رد العجز الی الصدر دیده شد.

د: رد العروض الی العجز:

موالید ثلاثه بستۀ عشق جدا شد هر کدامی خستۀ عشق
(همان: ص ۳)

نمونه های دیگر: بیدل (ص ۱۰۵) محبت (ص ۱۰۴) وفادار (ص ۱۰۲) پادشاهی (ص ۱۰۰) ساقی و دم روح (ص ۸۶) (ص ۹۷) محبت (ص ۸۳) عشاق (ص ۸۲) تحریر (ص ۷۷)
ه: رد العروض الی الابداء:

قدم گر پس بمانی در عدم رفت عدم در پیش یا بد چون قدم رفت
(همان: ص ۲۰)

نمونه های دیگر: تو این دل را از آن دل نور بخشا / به بیت دل، دل معمور بخشا (همان: ص ۶۶)

عشق عاشقان و نور (ص ۵۲)، دل (ص ۵۳ و ۵۸)، صدق (ص ۵۵)، عشق (ص ۵۹) تسلیم
(ص ۶۴)، نور (ص ۶۶)، دولت (ص ۷۴) سیه پوش (ص ۹۲) و...

و: رد الصدر الی الابداء:

بیا ای حدقۀ عین محبت بیا ای حلقۀ دید محبت
بیا ای نور چشم دید و ابصار بیا ای دید جانان را خریدار
(همان: ص ۹۸)

نمونه های دیگر: به زیر خاک (ص ۶۲) کتابی (ص ۶۳) خداوندا (ص ۶۵) به آن دلها
(ص ۶۶) دلی ده کو بود... (ص ۶۷) الهی جز تو (ص ۶۸) نه دولت باشد این (ص ۷۴) ازین
مییم است (ص ۷۶) نه هر چشمی.. بیا ای (ص ۸۳) شب قدر، به تاریکی، بیا ساقی (ص ۸۷)
دمی کو... (ص ۹۵) دمش را ... (ص ۹۷)

ز: التزام یا اعنات: شاعر در هر بیت یا مصراع، کلمه ای را تکرار کند.

شاعر در ابیات زیر عناصر اربعه را التزام کرده است:

خمیر خاک چون از آب عشق است هوا زان آتش ین از تاب عشق است
بده زان آب آتش وار جامی هوا خاکم کند از عشق نامی
هوای آتشین آبم ازان است که خاکم را محبت زان روانست
چو آتش در تن خاکی هوا داد ز آبش ساقی رحمت دوا داد
اگر این آب آتش وش نبود هوا این جسم خاکی در ر بودی
هوا را آب می آتش چنان زد که خاک آدمی راه جان زد
بلی خاک مخمر ز آتشین آب هوا خواهی عشق آتش برافروخت
که آب آتشین آن خاک را سوخت...
(همان: ص ۱۵۲)

ح: تکرار یا تکریر:

چو دید دید و دید دیده در دید به دید دید و دید دید در دید
(همان: ص ۱۶۹)

این تکرار در تمامی اوراق نسخه یافت میشود: در واژه دید (ص ۱۰۹) تکرار در کلمه سوز (ص ۱۱۰) در واژه قیامت (ص ۱۱۳) تکرار در کلمه نقش و نقشبند در ده بیت (ص ۱۱۷) تکرار در جدایی (ص ۱۰۴) واژه درون و در (ص ۱۰۷) واژه تن (ص ۱۰۱) واژه دم و دمیدن در پنج بیت تکرار شده است (ص ۹۷) و نیز تمام ابیات صفحه ۹۵. واژه داد (ص ۸۸) در واژه حبّ (ص ۶۴) دل (ص ۶۶) دولت (ص ۷۴) می میم (ص ۷۶) چشم (ص ۹۱) —جناس: انواع جناس در «شاهد غیبی» یافت میشود. برای مثال:

الف. جناس تام:

چنان دادش که دادِ داد در داد ز داد داد در عالم خبر داد
(همان: ص ۱۱۱)

نی (در معنی حرف نفی) و نی (ص ۷۷) کی (پادشاه) و کی (چه زمانی) (ص ۸۰) کام (دهان) و (آرزو) (ص ۸۶) و...

ب. جناس ناقص:

گِل خوشبو به آن گِل صرف کردند ز عطر و طیب هر سو حرف کردند
(همان: ص ۱۵۴)

حَبّ و حَبّ (ص ۶۵) سوز و ساز (ص ۸۰) کاروان و کاردان/ عبادت و عبارت (ص ۱۳۳) خُلُق و خَلَق (ص ۱۳۰)

پ. جناس اشتقاق:

گهی اندر لباس عشق در کار گهی معشوق و گه عاشق به اسرار
(همان: ص ۹)

همچنین در واژه های احمد محمود و حامد (ص ۶۵) موصل و موصول (ص ۶۸) منظور و نظر (ص ۷۱) ناظر و منظور (ص ۷۶) مقصد و مقصود (ص ۷۷) شکر و مشکور (ص ۸۱) جنون و مجنون (ص ۸۹) مسیح و تسبیح (ص ۴۹) امین و مأمون/ کریم و مکرم (ص ۵۴) شفیع و مشفع/ صالح و مصلح (ص ۵۵) و...

ت. جناس خط:

به آزار و به رنجش کن تحمّل که انسان را درین باشد تجمل
(همان: ص ۲۷۰)

مبین و متین (ص ۵۴) سابق و سابق (ص ۵۵) محبت و محنت (ص ۶۱) راز و زار (ص ۱۲۶) کنج و گنج (ص ۱۰۱) و ...

ث. جناس مضارع:

به معده تا نیاید جوع کامل نگردد اشتها صادق چو شامل
(همان: ص ۲۶۷)

در واژه های احمید و وحید (ص ۵۴) شاه و ماه (ص ۷۱) طاری و ساری (ص ۵۶) شاب و باب (ص ۵۹) طیب و حبیب (ص ۶۷) خامه و نامه (ص ۷۷) و...
چ. جناس زاید:

به وحدت هر که از دل آشنا شد به بحر معرفت اندر شنا شد
(همان: ص ۲۶۲)

نیز در واژه قامت و قیامت (ص ۱۱۰) پیمان و پیمانہ (ص ۱۰۳) تاب و عتاب (ص ۶۷) ناز و نیاز (ص ۸۰) دیدن و دریدن (ص ۱۳۰) و...

– موازنه:

برای عشق شد تخمیر آدم برای عشق شد تدبیر عالم
(همان: ص ۲)

کند هر کس به وضع خود تمنا کند هر کس به دید خود تماشا
(همان: ص ۵)

نمونه های دیگر: بلی این میم اصل حیات است/ بلی زین میم اظهار صفات است (ص ۷۷)
جهان در حلقه میم است موقوف/ جهان بر حلقه میم است موصوف (ص ۷۶) ازین می زندگی
گیرند و بخشند/ وزین می بندگی گیرند و بخشند (همان) دلی ده کو بود شایان دیدار/ دلی
ده کو بود فارغ ز پندار (ص ۶۷) خداوندا به گیسوی سیاهش / خداوندا به رخسار چو ماهش
(ص ۶۵) چراغ روشنی بخشای دلها/ چراغ روشنی افزای دلها (ص ۵۹) و...

ب. صنایع معنوی: آن است که حسن و تزیین کلام مربوط به معنی باشد نه به لفظ، چنانکه
اگر الفاظ را با حفظ معنی تغییر دهیم باز آن حسن باقی بماند (فنون بلاغت و صناعات ادبی،
همایی، ص: ۳۷).

– مراعات نظیر:

نه آب و آتش و خاک و هواپیست که در راه محبت دلرباییست (همان: ص ۱۵۲)
نمونه های دیگر: واژه های نور، چشم، دید، ابصار (ص ۸۳) ستاره، سیاره، ماه (ص ۹۸)
عود، بربط، چنگ و چغانه (ص ۱۰۱) سپند و سندنل و عود و قماری (ص ۱۰۴) ساقی و خم
و مینا (ص ۱۰۷) باده، می، مینا، جام (ص ۱۰۸) پروانه، شمع، سوختن (ص ۵۰) چشم، ابرو،
مژگان (ص ۵۳) تخت، کلاه، شاه، دولت (ص ۱۰۰) آب، آتش، خاک و هوا (ص ۱۰۳) لوح و قلم
و تحریر (ص ۳) و...

– تضاد یا طباق:

چو بینی از سیاهی و سفیدی کنی یاد از امید و ناامیدی (همان: ص ۶۷)
همچنین در واژه شب و صبح/ سفیدی و سیاهی (ص ۶۶) خواب و بیدار (ص ۸۲) نادان

و دانا/ توانا و ناتوان (ص ۱۰۴) گدایی و پادشاهی/ حقیقت و مجاز (ص ۵۰) دنیا و عقبی (ص ۵۲) پیر و جوان (ص ۵۹) حیات و موت (ص ۶۲) آغاز و انجام (ص ۶۳) و ...

– ارسال المثل و تمثیل:

بلی پیران به خشت خام بینند/ جوانان آن چه اندر جام بینند (همان: ص ۶۴)
مقام گنج در زیر زمین است/ به بالا دشمنانش در کمین است/ چو تخم اندر زمین هموار
گردد/ زمین از سبزه بس سرشار گردد (ص ۶۲) بلی اصل شجر در بطن غبراست/ نمایانش
به عالم کز ثمرهاست/ بلی در کان جواهر را بود رنگ / براید در بدخشان لعل از سنگ /
محبان سر چو زیر خاک دارند/ زمینها فخر بر افلاک دارند (همان) بلی ذاتی که اصلش پاک
باشد/ بود نور ارچه ظاهر خاک باشد / جواهر گر به خاک آلوده باشد / نه خاکست او جواهر
بوده باشد (ص ۶۸)

— تضمین:

نخست از جام جامی چون شود مست بگوید وانگهی پیمانہ در دست
«الهی غنچه امید بگشای گلی از روضه جاوید بنم ای»
(همان: ص ۸۴)

بیت دوم این شعر را مؤلف «شاهد غیبی» از «یوسف و زلیخا» جامی تضمین کرده است.

– تنسیق الصفات:

بزرگ و پارسا و عالم دهر / سبق آموز ذکر خفیه و جهر (همان: ص ۴۲)
امین او هست و مامون و کریم است / مکرّم هم مکین لطفش عمیم است (همان: ص ۱۷)
نیز در واژه بشیر، نذیر و نور مبین (ص ۵۴) سراج، مصباح، هدی، مهدی، منیر (همان)
مبین، متین، مؤمل، ذی قوه، واصل (همان) مشفع، شفیع، صالح، مصلح (ص ۵۵) وکیل،
موکل، کفیل، شفیق، حامی دل (همان)

– تلمیح:

به آن براق کو راه فلک تاخت/ به آن جسمی که از ملک و ملک تاخت (همان: ص ۴۸)
ز عشق آمد ظهور نور اول/ ازان شد کنت کنزاً طور اول (همان: ص ۲)
در ص ۵۱ تلمیح به انواع داستان است از جمله: لیلی و مجنون، یوسف و زلیخا، وامق و
عذرا، شیرین و فرهاد، سلطان محمود و ایاز، ویس و رامین، سلیم و سلما، سعد و اسما. نیز
تلمیح به داستان شیرین و فرهاد، یوسف و زلیخا، لیلی و مجنون، وامق و عذرا، حضرت خضر
و حضرت عیسی (ص ۱۰۵) تلمیح به شب قدر (ص ۸۷) تلمیح به حدیث لولاک لماخلقت
الافلاک و انا عرضنا الامانة ... (ص ۸۲) تلمیح به داستان حضرت ابراهیم و گلستان شدن

آتش بر وی (ص ۸۱) تلمیح به داستان حضرت موسی و گنج قارون (ص ۷۴) به داستان یوسف و زلیخا/ لیلی و مجنون/ شیرین و فرهاد (ص ۸۹)

– ایهام:

بریزان جرعه ای از وی به کامم / بکن از لطف خود مست مدامم (همان: ص ۵۶)
نوا تا چند در پرده سرایم (همان: ص ۸۰) / چرا زین پرده بیرون برنیایم
ج. **صور خیال:** صور خیال جوهره اصلی شعر است و شاعر در این مثنوی از انواع صورتهای مختلف آن چون: تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه بهره برده است:
– **تشبیه:** شاعر از تشبیهات بسیار ساده در متن استفاده کرده است. تشبیهات از نوع بلیغ، اسنادی، و اندکی نیز تشبیه تفضیل است.

کتابی دیدم آن جا روح پرور / خطش دلکش چو خط لعل دلبر (ص ۴۲)

چو دولت رو به اغوا پیش بنهاد / فتد بنیان او چون قصر شداد (ص ۷۳)

غرض نوباوه باغ جوانی / نهال خلد باغ کامرانی (ص ۱۵۸)

نمونه های تشبیه اسنادی: دل چو عرش کبریایی است (ص ۶۸) رخ او برفروزنده چو ماهی (ص ۸۲) باغ محبت/ گل عرفان (ص ۸۳) بلی عشقست همچون عشقه بر جان/ بدش چون کهربا رخساره زرد (ص ۸۹) چو شیخش دید همچون سرو آزاد (ص ۹۰) و...

نمونه های تشبیه بلیغ: باده عفو/ بحر رحمت (ص ۶۸) سمنند طاقت/ ساغر وصل/ گوهر معنی (ص ۷۱) صهبای محبت/ نهال قامت/ باغ جان (ص ۷۲) دریای تفکر/ مینای محبت (ص ۷۵) می وحدت (ص ۷۷) غنچه امید (ص ۷۸) دشت محبت (ص ۸۰) رایت عزت/ مفتاح دانش/ خوان نعمت غیب (ص ۸۱) همای بخت (ص ۸۲) آتش عشق/ خدنگ عشق/ گشنیز حقیقت/ کافور طریقت (ص ۸۵) ترنج معرفت/ نارنج تقوا (ص ۸۶) دستار فضیلت/ لباس عشق/ جام محبت/ تیر غم (ص ۸۸) صحرای جنون/ کهربای عشق (ص ۸۹) گل توحید/ نور ایقان (ص ۹۰) جام عدل/ رایت انصاف (ص ۹۴) نقاش اسرار (ص ۱۱۵) و...

نمونه های تشبیه تفضیل: جمالش را نگویی اخترست این/ که روشن تر ز مهر خاور است این (ص ۷۲) خداوندا به آن گیسوی پرتاب / که از وی منفعل شد عنبر ناب (ص ۱۶۸) کتابی چون گلستان معانی/ تابی بوستان نکته دانی/ گلستان پیش هر حرفش ز دل داغ/ کشیده لفظ او در آستین باغ (ص ۶۳)

– استعاره:

فرس راند و به پیش شاه آمد / برای مژده آن ماه آمد (همان: ص ۱۳۹)

هلالش را به یک دم بدر فرمود/ ز نور زندگانش بیفزود (همان: ص ۱۴۰)

نمونه‌های دیگر استعاره: چشم دل (ص ۷۸ و ۶۶) جیب تفکر (ص ۱۱۰) قدم عقیدت / پیشانی عرفان (ص ۷۱) روی دهر (ص ۹۴) گوش دل (ص ۶۷) مهش آمد که از نور جمالی (ص ۸۲) نشست آن ماه بدر اندر میانه (ص ۱۰۴) پس آن ماه دوهفته بازگردید (ص ۱۱۳)

– کنایه:

ز دست تاجری دل در خروش است / که او گندم نمای جو فروش است (ص ۵۹)
 بلی گر دولتت این دولت آید / تو را دولت عنان از کف رباید (ص ۷۱)
 نمونه‌های دیگر: به پا استاد و در پایش بیفتاد (ص ۹۰) به فرمانت جبین بر آستانیم (ص ۹۲) دو دست عاجزی بر سینه بنهاد (ص ۹۷) به پای پیر افتاد (ص ۹۸) زمین بوسید شه راز تولا (ص ۹۸ و ۱۰۹) وزین درهای پرمعنی که سفتی (ص ۱۱۱) قدم بر نفس هستی چون گذارند (ص ۱۲۲) به زیر این قدمها خاک شو خاک / که تا گردت رسد در چشم افلاک (همان) زمین و آسمان زیر نگیش (ص ۱۲۴) به زانو چون سر معنی گذارند (ص ۱۲۵) وزین دیدن دریدن جیب و دامان (ص ۱۳۰) به صد ذلت به پیشش سر بنه پیش (ص ۱۳۱)

د. استشهاد به آیات و احادیث:

از بارزترین ویژگیهای آثار عرفانی تأثیر پذیری از دو منبع گرانمایه، قرآن و حدیث به صورت مستقیم یا غیر مستقیم بوده است که با توجه به درونمایه نسخه شاهد غیبی این اثر نیز از آن بیبهره نبوده است:

– استناد به آیات قرآنی:

ز عصیان گرچه هر دم میکشم آه / بود لا تقنطوا من رحمت الله (همان: ص ۵۴) اشاره دارد به آیه «و لا تقنطوا من رحمة الله...» (سوره مبارکه زمر، ص ۵۳)
 بود والکاظمین الغیظ برهان / بخوان و اجر صبر خویش بستان (همان: ص ۲۷۰) اشاره دارد به آیه «الذین ینفقون فی السراء و الضراء والکاظمین الغیظ و العافین عن الناس...» (آیه ۱۳۴ سوره مبارکه آل عمران)

به عشق الا یسیح گو بحمده (ص ۵۰) اشاره به آیه «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَّا تُفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا» (سوره اسراء: آیه ۴۴)

گهی واللیل خواند در سوادش / گهی از والضحی جوید مرادش اشاره به آیه «وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى» (سوره لیل: آیه ۱) «وَالضُّحَى...» (سوره ضحی: آیه ۱)

به آن وصلی که قربش قاب و قوسین (ص ۶۵) اشاره به آیه «فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى» (سوره نجم: آیه ۹)

به آن چشمی که ما زاغ البصر بود (ص ۶۶) اشاره به آیه «مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَى» (سوره نجم: آیه ۱۷)

بلا خوف علیهم اتصالش / و لا هم یحزنون از وصف حالش اشاره به آیه «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (سوره یونس: آیه ۶۲)

محافظ ان یکاد از یاد برخواند/ به چشم زخم خاک تیره افشاند(ص ۱۰۴) اشاره به آیه « وَإِنَّ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ » (سوره قلم: آیه ۵۱)

– استناد به حدیث :

دل بشکسته جز تو جا ندارد/ به حال او کسی پروا ندارد (همان: ص ۵۵) اشاره به حدیث قدسی « انا عند المنكسره قلوبهم لاجلی » (احادیث و قصص مثنوی، فروزانفر: ص ۲۸) چو شد آن صاحب معراج افلاک/ بود زیبا به او مضمون لولاک (شاهد غیبی: ۲۰) که اشاره به حدیث «لولاک لما خلقت الافلاک» دارد (احادیث و قصص مثنوی، فروزانفر: ص ۴۸۳). ازان شد کنت کنزاً طور اول (ص ۴۹) اشاره به حدیث «کنت کنزاً مخفياً فأحبت أن اعرف».

نتیجه:

نسخه خطی «شاهدغیبی» شامل دو بخش است بخشی از آن در واقع تذکره ای است که زندگی و احوالات میر زیورالدین شاه را به سلک نظم آورده است. بخشی دیگر به آداب طریقت نقشبندی، دستورالعملهایی که سالک باید بدان عمل کند و معرفی شاخه جدیدی از این فرقه، تا زمان حیات میرزیورالدین اشاره کرده است. براین پژوهش به طور خلاصه موارد زیر است: از نظر فکری محتوای این اثر از نظریه وحدت وجود ابن عربی تأثیر پذیرفته است. عشق نیز درونمایه ایست که در سرتاسر این منظومه تجلی یافته است. از نظر زبانی باید گفت از آن جا که شاعر این منظومه از شاعران دوره بازگشت است بسیاری از خصوصیات زبانی آن دوره در این نسخه نمایان است. محتوای این نسخه نشان میدهد شاعر در سرودن منظومه از بسیاری از علوم چون قرآن، حدیث، حکمت و بسیاری از اصطلاحات عرفانی بهره جسته است. مهمتر از همه این اثر از نظر ادبی برگرفته از منظومه یوسف و زلیخای جامی است اگرچه در مقام شاعری به پای جامی نمیرسد. صنایع ادبی لفظی و معنوی بسیاری در متن است که بیش از همه آرایه تکرار و انواع آن، مراعات نظیر و تلمیح بسامد بالایی دارند. صور خیال همچون تشبیه، استعاره، کنایه بسیار ساده و قابل فهم هستند. علت این سادگی این است که هدف شاعر در اصل سرودن شعر نبوده و این اثر در مدت زمان اندکی سروده شده و شاعر تنها معرفی این عارف نقشبند را مهم میدانسته است.

منابع و مأخذ:

- قرآن کریم. ترجمه الهی قمشه‌ای، مهدی. ۱۳۸۳، مرکز چاپ و نشر قرآن کریم. الهادی.
قم
- شاهد غیبی، احمد. (۱۳۳۲ ه.ق). نسخه خطی کتابخانه گنج بخش پاکستان
- مقامات حضرت میرمحمد زیور الدین معروف به پادشاه صاحب پایمنار. امام الدین
بن شیخ سعدالدین کابلی، ۱۳۹۳. کابل
- دانشنامه ادب فارسی. انوشه، حسن، ۱۳۷۵، دانشنامه ادب فارسی. ج چهارم. وزارت
فرهنگ و ارشاد اسلامی. سازمان چاپ و انتشارات. تهران
- فهرست الفبایی نسخه های خطی کتابخانه گنج بخش. تسبیحی، محمدحسین،
۱۳۸۴، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان. اسلام آباد
- هفت اورنگ. جامی، عبدالرحمن بن احمد. ۱۳۸۵، تصحیح مرتضی مدرس گیلانی. اهورا.
تهران
- جریده ده سبز، خاورین، میرویس، ۱۳۹۱، حضرت میرزیورالدین. سال دوم. شماره سوم،
چهارم، پنجم. ششم خرداد، تیر، مرداد، شهریور. ص ۱. کابل
- لغت نامه دهخدا. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، ج پنجم. مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه
تهران. تهران
- منظومه های عاشقانه ادب فارسی. ذوالفقاری، حسن، ۱۳۸۲، نیما. تهران
- تحلیل انتقادی گفتمان «مقامات» مشایخ صوفیه. سجودی، فرزانه و زینب اکبری،
۱۳۹۳، کهن نامه ادب پارسی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. سال پنجم. ش
۴. زمستان، صص ۷۳-۹۷
- سبک‌شناسی شعر فارسی از رودکی تا شاملو. غلامرضایی، محمد، ۱۳۷۸، جامی.
تهران
- احادیث و قصص مثنوی. فروزانفر، بدیع الزمان. ۱۳۸۱، امیر کبیر. تهران
- نقد و تصحیح متون. مایل هروی، نجیب، ۱۳۶۹، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
مشهد
- فنون بلاغت و صناعات ادبی. همایی، جلال الدین، ۱۳۸۹، اهورا. تهران